خبرها

امسال قیمت خودرو افزایش نمی‌یابد

مهر: دیدار با علیرضا طهماسبی وزیر صنایع و معادن در سالن یاران بهشتی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اتفاق افتاد. وزیر صنایع و معادن در ابتدا به تعیین تکلیف لیست جدید کالاهای مشمول تجمیع عوارض برای سال ۸۵ اشاره و جزئیات جلسات مفصل دولت در این خصوص را تشریح کرد. وی گفت: در ابتدا در جلسات مسئولان دولتی درباره کالاهایی از جمله پوشاک، کفش، نساجی و لوله پروفیل که از آنها سه درصد عوارض اخذ می‌شود بحث و بررسی شد و وزارت صنایع و معادن خواستار حذف این کالاها از لیست کالاهای مشمول قانون تجمیع عوارض شد. وزیر صنایع و معادن توضیح داد: ما معتقدیم که رقابت غیرعادلانه‌ای هم اکنون میان برخی تولیدکنندگان داخلی شناسنامه‌دار با بنگاه‌های کوچک زیر پله‌ای حاکم است، به همین دلیل خواستار حذف پوشاک، کفش، نساجی و لوله پروفیل از پرداخت سه درصد عوارض مشمول قانون تجمیع عوارض شدیم. طهماسبی اظهار داشت: کارگروه موضوع بند «ه» ماده ۳ قانون موسوم به تجمیع عوارض که شامل وزرای امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی، صنایع و معادن و کشور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است، بالاخره با حذف پوشاک، کفش و نساجی از لیست جدید کالاهای مشمول تجمیع عوارض موافقت و با حذف لوله پروفیل از این لیست مخالفت کرد. وی خاطرنشان کرد: در همین حال نیز دوباره جلساتی با حضور پرویز داوودی معاون اول رئیس جمهوری در خصوص لیست جدید کالاهای مشمول تجمیع عوارض برگزار و بازهم وزارت صنایع و معادن خواستار حذف لوله پروفیل علاوه بر پوشاک، نساجی و کفش از پرداخت سه درصد عوارض مشمول این قانون شد. وزیر صنایع و معادن اعلام کرد: به هر حال، تنها موافق حذف لوله پروفیل از پرداخت سه درصد عوارض مشمول قانون تجمیع عوارض وزارت صنایع و معادن بود و در نهایت نیز با این پیشنهاد موافقت نشد و تنها پوشاک، نساجی و کفش از پرداخت عوارض مشمول این قانون معاف شدند. به گفته طهماسبی این مصوبه هم اکنون مراحل آخر را برای ابلاغ می گذراند. وزیر صنایع و معادن در ادامه گفت: با توجه به حذف اخذ ۹ درصدی عوارض خودرو از بودجه ۸۵، قیمت خودرو هم در سال جاری افزایش نمی‌یابد. وی توضیح داد: با اعمال سیاست‌هایی ضمن بالابردن کیفیت در تولید، جلوی افزایش قیمت خودرو را خواهیم گرفت و سعی می‌کنیم قیمت خودرو را در سال ۸۵ کنترل کنیم. طهماسبی در عین حال اظهار داشت: خودروسازان بزرگ دولتی (سایپا و ایران‌خودرو) اعلام کرده‌اند که در جهت اجرای سیاست‌های دولت در سال ۸۵ حرکت خواهند کرد و برخی مخالفت‌هایی هم که در زمان تصویب بودجه ۸۵ در مجلس نسبت به بخش خودرو شده بود از ناحیه شرکت‌های خصوصی صورت گرفت. وزیر صنایع و معادن اذعان کرد: با توجه به شعار تولید محصول کیفی و مطابق با استانداردهای جهانی و تولید برای صادرات، هدف گذاری ما در صادرات خودرو بسیار بلندپروازانه است. وی ادامه داد: بنابراین هدف گذاری در صنعت خودرو با توجه به نزدیک شدن به مرز اشباعی که در بازار داخلی وجود دارد عمدتاً تولید برای صادرات صورت گرفته است، اما به‌هرحال در بازار داخلی هم بازار بسیار خوبی خواهیم داشت. طهماسبی ابراز امیدواری کرد که صادرات خودرو و قطعات آن در سال جاری به ۵۰۰ میلیون دلار برسد. وزیر صنایع و معادن در ادامه به عملکرد بخش صنعت و معدن در سال ۸۴ پرداخت و گفت: با این که ۱۳۸۴ سال تغییر دولت و اولین سال اجرای برنامه چهارم و رد و بدل شدن دوباره قراردادهای عاملیت بود اما در برخی شاخص‌ها بخش صنعت جلوتر از اهداف برنامه چهارم حرکت کرد. وی تصریح کرد: در بخش صادرات صنعتی در سال ۸۴ حدود ۱۰ درصد رشد نسبت به سال ۸۳ داشتیم. البته در تاریخ ایران سابقه نداشته که ظرف یک سال حدود ۷/۵ میلیارد دلار صادرات صنعتی و معدنی داشته باشیم که این مهم در سال ۸۴ اتفاق افتاد. طهماسبی خاطرنشان کرد: صادرات غیر نفتی با رشد صادرات بخش صنعت و معدن در سال ۸۴ به ۱۰ میلیارد دلار رسید و این درحالی بود که هدف برنامه چهارم در این باره در سال اول ۸/۵ میلیارد دلار بود. وزیر صنایع و معادن در ادامه اعلام کرد: جذب سرمایه گذاری خارجی در بخش صنعت و معدن در سال ۸۴ به ۱/۲ میلیارد دلار رسید که رشدی حدود صد درصد نسبت به سال ۸۳ نشان می‌دهد. وی گفت: رشد ارزش افزوده بخش صنعت نیز در سال ۸۴ به حدود ۱۰ درصد رسید که هدف برنامه چهارم هم در این خصوص ۱۰/۵ درصد بود. بنابراین، بخش صنعت نزدیک به اهداف برنامه در سال گذشته حرکت کرده است. به گفته طهماسبی ۸۰ درصد اهداف اشتغالزایی برنامه چهارم در بخش صنعت در سال اول اجرا-۱۳۸۴- تحقق پیدا کرده است. خبرنگار پرسید که براساس مصوبه هیات وزیران، کدام شرکت خودروسازی به شهرستان‌ها منتقل می‌شود؟ طهماسبی پاسخ داد: شرکت‌های خودروسازی مشمول مصوبه هیات وزیران نمی‌شوند. وی در عین حال تصریح کرد: به خودروسازان اعلام شده برای این که بحث عدالت و سیاست‌های دولت اصل قرار گیرد، سرمایه گذاری‌های جدید را در شهرستان‌ها انجام دهند.

پرداخت یارانه سود تسهیلات به بانک‌ها

مهر: وزیر امور اقتصادی و دارایی اعلام کرد: بدهی دولت به بانک‌های کشور بابت یارانه نرخ سود تسهیلات ۱۶ درصدی به زودی پرداخت خواهد شد. داود دانش جعفری افزود: طبق مصوبه شورای پول و اعتبار در مورد یکسان سازی نرخ سود تسهیلات بانکی دولت موظف است تفاوت نرخ مورد نظر خود برای بخش‌های مختلف اقتصادی را به صورت یارانه به بانک‌ها پرداخت کند. دانش جعفری خاطرنشان کرد: براساس مصوبه شورای پول و اعتبار دولت موظف است این یارانه را هر سه ماه یک بار به بانک‌ها پرداخت کند. وی اضافه کرد: حساب بودجه دولت و سیستم بانکی یک حساب جاری است و سیستم بانکی منتظر مبالغ واریزی دولت نیست. دانش جعفری با تاکید براینکه بخشی از مطالبات به زودی پرداخت می‌شود، اظهار داشت: تاخیر در پرداخت این مبالغ تاثیری بر ارائه تسهیلات نخواهد گذاشت، هر چند دولت نیز مصمم است این مطالبات را به موقع پرداخت کند.

تراکم دموکراسی

آیا شوراها کیفیت شهرسازی و اداره شهرها را بهبود بخشیده‌اند

امیرحسین مهدوی

عکس: رضا معتمدیان، شرق

روزهای اول گیلان و مازندران و دیروز ییلاق اطراف تهران. مسافران نوروزی کنار دریا، محمودآباد، نور و چالوس از جاده کناره رد شدند و سیزده‌به در تهرانی‌ها در مهرشهر و کردان و فشم و اوشان گذشت.

البته که ترافیک صادره از پایتخت بیش از پارسال و کمتر از نوروز بعدی بود. راه‌بندان‌های ۱۰ ساعته جاده چالوس و زنجیره ماشین‌ها از گردنه قوچک تا سردر بخشداری لواسانات سیمای عیدانه تفرجگاه‌ها بود، گفتند صف خودروها منتهی به دروازه‌قرآن شیراز به ۱۵ کیلومتر رسیده و شب اربعین طی مسیر بهشت زهرا تا عوارضی قم چهارساعت وقت گرفته است. به این ترتیب بنزین و ترافیک در سال ۸۵ هم دستمایه گفتار و مطلب و مسئله نو و سوژه تکراری اقتصاد ایران خواهد بود. سوخت صورتی مستند تثبیت «موضوعات» و تنوع «اشکال» مصائب ماست. اما غیر از انباشت غیرقابل تحمل خودروها و سوختن سرمایه موجود در باک آنها جلوه‌ای دیگر هم از حکمرانی خوب(!) در حاشیه تهران و خزر خودنمایی می‌کرد: درخت کمتر و ابنیه بیشتر. سیر تبدیل اراضی با کاربری زراعی و باغبانی به زمین‌های مسکونی چهره مازندران و اطراف تهران را نسبت به ۶-۵ سال گذشته به کل متفاوت ساخته است. روندی که تا چند سال آینده چیزی از معنای شمال و ییلاق باقی نگذاشته و باغات و مزارع را یکسره به ساختمان تبدیل خواهد کرد. شهرک‌سازی در گیلان و مازندران از سی سال پیش وجود داشت، چه آنکه در تهران هم از همان زمان انبوه‌سازی در شهرک غرب و اکباتان پا گرفته بود. ساخت و ساز غیرمجاز هم نه از احداث خانه‌های تپه زورآباد کرج که از روز شهر شدن تهران شروع شده بود. حتی فروش تراکم مازاد به شکل غریب «تراکم سیار» هم سابقه ۱۷ ساله دارد.

اما در چند سال اخیر چه اتفاقی روی داد و کار را به جایی رساند که شمیران به لواسان و اوشان منتقل شود و قلب اداری پایتخت به شمیران سابق. تپه‌های عباس‌آباد که قرار بود ریه تهران باشد به محل نزاع دستگاه‌های دولتی برای تصاحب قطعه مرغوب‌تر تبدیل شد و تعداد برج‌های بالای ۱۵ طبقه در یکی از کوچه‌های پرنشیب و کم‌عرض الهیه از عدد ده خواهد گذشت! در همین امتداد شمیران‌نشین‌ها به دنبال درخت و سکوت و هوای پاک به شمال غرب و شرق تهران پناه برده‌اند تا با شتابی بی‌نظیر چهره مهرشهر و لواسان به سعادت‌آباد و خیابان ولی‌عصر شبیه شود. به زودی اهالی الهیه و زعفرانیه افسوس خواهند خورد که چرا چنین بهایی را برای سکونت در این مناطق پرداخته‌اند. برج‌های بلند با تراکم انبوه جمعیتی گرچه مجلل‌تر از انبوه‌سازی‌های اطراف اتوبان کرج یا شهید بابایی ساخته شده‌اند، اما در معابری با عرض ۶ متر و در گذر از کوچه‌هایی متناسب با تهران یک میلیون نفری.

تهران زشت تحت اداره شهرداری اما با قیافه‌ای زورآبادمانند تا سرحد آب و اکسیژن مهاجر می‌پذیرد و بی‌قواره و رها بالا می‌رود و گسترش می‌یابد. در سال پیش رو ساختمان مرکزی یک بانک به یکی از کوچه‌های فرعی خیابان ولی‌عصر منتقل خواهد شد و وزارت نیرو به جایی بین پارک ملت، باشگاه انقلاب، میدان میوه و تره‌بار، بیمارستان رجایی و مقر فرماندهی ناجا در تقاطع کردستان و نیایش، خواهد آمد. دیگر نه تنها ارتفاع و ظاهر ساختمان‌ها در یک محدوده یا خیابان از نظامی سازگار پیروی نمی‌کنند که تفکیک مناطق اداری و مسکونی هم بلاموضوع شده است. هر قدر اصرار مدیریت پایتخت‌های اروپایی، ژاپن و حتی ترکیه بر حفظ اصالت و هارمونی شهر است، تاکید تهران بر به‌هم‌ریختن ریخت‌شهر و ندید گرفتن قواعد شهرسازی است. شاید روزی سر بلند کردن برج در کوچه ـ باغ سبز و باریک تعجب داشت اما حالا دیدن سازمان مرکزی بانک صنعت و معدن در محله محمودیه و بنای مرتفع شرکت نفت فلات قاره در کوچه‌ای تنگ و بن‌بست در خیابان قدیمی ولی‌عصر عجیب نیست. امروز بلوار اصلی بخش لواسان شمیران حتماً متراکم‌تر و شلوغ‌تر از خیابان نیاوران ده‌سال پیش است و سر و شکل جاده کناره از محمودآباد تا چالوس به ۲۰ سال پیش شهرک غرب شبیه‌تر است تا سرزمین رویایی مرز جنگل و دریا (مازندران).

اما این بار تسریع در روند نابودی مرگبار تماماً محصول «سیاست‌ها و تصمیم‌های» غلط مسئولین نیست که به روال همیشگی بتوان ظرف چند لحظه در دادگاه افکار عمومی طرح دعوی کرد، دفاعیات را نشنید و علیه حاکمیت رای داد.

دوستی به چشم خود در یکی از خیابان‌های تهران کامیونی را دیده بود که با بار ماسه وارد کوچه‌ای بن‌بست شده و بار را پشت سر خود تخلیه کرده است. پس از اتمام کار و به هنگام حرکت وقتی راننده متوجه انسداد راه و عمق فاجعه می‌شود از صندلی پائین می‌آید و بد و بیراه نثار حکومت می‌کند که چرا کوچه‌ها را بن‌بست ساخته و وضع مملکت را به اینجا رسانده است! مشابه رویکرد این همشهری ـ البته نه با این غلظت ـ در جامعه روشنفکری ایران نیز قابل رهگیری است: نقد ناتمام و تک گزاره‌ای دولت بدون توجه به کیفیت پسند و سلیقه سیاسی ملت و عواقب آرای آن.

متاسفانه تعجیل در فروش زمین و آسمان و شهر و مزرعه از مواهب تشکیل یکی از مردمی‌ترین نهادهای حاکمیتی است. در این عرصه مسئولین و دولت مدعی صیانت از شهر و طبیعت هستند و نمایندگان مردم در پی فروش آن. در این محکمه تنها قصور حکومت ایجاد تشکیل شوراها و تفویض اختیار اداره شهرها به نمایندگان مردم بوده است.

■ ناپایداری تقویم سیاسی

تقویم انتخاباتی و نوبت‌های تداول قدرت در درون جمهوری اسلامی بر هیچ منطقی استوار نیست. به‌حسب قران و تصادف چهار انتخابات ادواری ممکن است در چهارسال متوالی یا در یک سال دو انتخابات و در دو سال، هر سال یک رای‌گیری برگزار شود.

خلع ابوالحسن بنی‌صدر و سپس ترور شهید رجایی مبداء ادوار ریاست‌جمهوری و تصمیم دولت خاتمی برای تشکیل شوراهای اسلامی شهر و روستا در سال ۷۷ نقطه آغاز کار شوراها بوده است. بنابراین مراجعه مکرر به آرای عمومی و زمان‌بندی متداخل آن سبب شده تا هر دولت با دو مجلس و دو دوره شورا کار کند. بر همین منوال است که برنامه‌های توسعه در دو سال پایانی عمر یک دولت و مجلس نوشته شده و چون میراثی ناخواسته به دولت بعدی که علی‌القاعده با شعار تغییر وضع مملکت‌داری سر کار آمده است، می‌رسند. به‌واقع مردم به رئیس جمهور و نمایندگان جدیدی رای می‌دهند تا با رویکردی متفاوت قدرت از دست قبلی‌ها گرفته و به گونه‌ای دیگر حکمرانی کنند، اما دولت ناچار است به برنامه‌های پنج‌ساله دولت قبلی تمکین کند. چه، همان دولت پایان‌یافته هم مجری برنامه‌های دولت پیش از خود بوده است!

در میان این پازل ناجور شوراها به دو دلیل وظایف ذاتی و شکلی به سنگر مقدم جناح‌ها برای جلب آرای عمومی بدل شده و خواهند شد: از بعد شکلی وسعت انتخابات و قابلیت ورود ۲۰۰ هزار نفر به ساختار حکومت و حضور هیاتی مرکب از نمایندگان مجلس به عنوان ناظر انتخابات، ورود به شوراها را ساده‌تر و عبور از فیلتر آن را در قیاس با دیگر انتخابات سهل‌تر می‌نماید. از سویی محتوا هم حوزه وظایف و اختیارات شورا در شرایط کنونی پائین‌دست‌ترین نقش‌های حکومت را دربرمی‌گیرد. اگر نقش خبرگان را گزینش و نظارت در حوزه رهبری، وظیفه دولت را طراحی برنامه، تقسیم بودجه و عمران بالادستی و رل نمایندگان پارلمان را قانون‌گذاری و در خفیف‌ترین وضعیت چانه‌زنی با هدف جلب بودجه بیشتر برای حوزه انتخابیه بدانیم، گستره اقتدار شوراها تنها به تعیین نام کوچه‌ها، میزان عوارض و تصویب بودجه شهرداری محدود خواهد بود. شوراها به‌رغم ضعف‌های قانونی در برابر سه قوه و فقدان اقتدار اولین سطح تماس ملت با دولت و نقطه رخ به رخ شدن مردم و حکومت هستند. پس نه‌فقط در سالی که گذشت که قبل و پس از آن هم جریان‌های سیاسی ترجیح خواهند داد تا فتح قدرت را از فراخ‌ترین و مردمی‌ترین دروازه ورود شروع کنند. در نتیجه تلاش برای بسیج سلائق و جلب آرای مردم شهر برای انتخابات بعدی مجلس یا ریاست‌جمهوری عمر مفید و مورد انتظار برای بازدهی شوراها در وظایف بلندمدت را به نصف دوران پیش‌بینی شده در قانون تقلیل می‌دهد. به این اعتبار منتخبان تنها ۳۰-۲۰ ماه فرصت دارند تا اعتماد مردم را پاسخ گفته و توان حل مشکلات روزمره آنان را از خود بروز دهند، بر محبوبیت عام خود در شهر و بخش و ده افزوده و عوام و بزرگان را برای رای‌گیری مجلس و ریاست‌جمهوری در پیش، سازمان دهند.

این ناپایداری و تعجیل، شوراها را ناخواسته از دوراندیشی بازداشته و به سمت تحرکات سریع و زودبازده و محبوبیت‌افزا سوق می‌دهند. طراحی برای معضلات اساسی شهر نیازمند صرف زمان و سرمایه است تا عواید آن در سال‌های آینده اهالی را بهره‌مند سازد. مدیریت شهر باید آمیخته معقولی از فرصت و قدرت را در اختیار داشته باشد تا برای فردای شهر فکر کنند و جلب رضایت آنی و کامیابی‌های روزمره شهروندان آنان را از طراحی و توسعه بلندمدت باز ندارد. چون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی که در مقیاس ملی از خزانه عمومی ارتزاق می‌کند تا فارغ از امواج کامجویی‌های روزانه مردم چون نان و بنزین ارزان، برای فردا فکر کند و طرح بریزد.

اما شوراهای شهرهای بزرگ با هدف کسب رضایت‌مندی عمومی در کوتاه‌مدت، به جای بلوکه کردن منابع در اجرای پروژه‌های اساسی کسب درآمد و سریع‌ترین مسیرهای هزینه را مدنظر قرار می‌دهند. از اتخاذ تصمیمات شجاعانه و بلندمدت شانه خالی می‌کنند و پذیرنده مسئولیت عواقب ناشی از کارهای نکرده و تصمیم‌های اشتباه نظیر فروش شهر و تحلیل رفتن استانداردهای آن در آینده نخواهند بود. پس اجازه ساخت و ساز بی‌ضابطه در هر نقطه شهر را صادر می‌کنند تا از آسان‌ترین و سریع‌ترین محل یعنی فروش تراکم مازاد و اخذ عوارض ساخت و پایان کار هزینه‌های جاری شهر را تامین کنند. حال آنکه شهردار منصوب دولت مرکزی یا استاندار می‌باید مدیریت خود را در چارچوب برنامه‌های کلان و ملی کشور تعریف کرده و آسوده از اضطراب کسب رای از مردم در دوره بعد و جذب آرا برای انتخابات آینده به اجرای طرح‌های بزرگ و تصمیمات متهورانه و زیربنایی دست زند. میانگین عمردوساله شهرداران پایتخت طی ۸ سال گذشته و عمر بیش از هشت ساله شهردار قبلی گواه همین مدعاست. طی فرآیند استقرار، برنامه‌ریزی و اجرا در کمتر از دو سال برای یک شهر ۱۰ میلیون نفری حتماً انتظاری نابجاست. پس بهتر آن است که شهردار از اخذ تصمیم‌های کلان خودداری کرده و شهر را برای رای‌گیری سامان دهد. شمار زیادی از معضلات تهران نیازمند جراحی‌های پردرد، گران و طویل‌المدت است که نه‌تنها رضایت آنی مردم را به دنبال نخواهند داشت که شاید آنان را در کوتاه‌مدت نسبت به شهردار بدبین کنند: قطع فروش تراکم مازاد در مناطقی که فاقد معابر و شرایط لازم هستند، پایان دادن به حضور شهرداری در رقابت با صفوف توزیعی که توسعه دکه‌های فروش مرکبات در محلات پیش رفته است، تکمیل حلقه‌های بزرگراهی و تملک و تخریب سازه‌های مسکونی غیر مجاز و...

اگر شهردار با حکم وزیر کشور و ذهنی آرام از التهابات انتخابات برای چهارسال در مسئولیت قرار می‌گرفت می‌توانست فروش تراکم را قطع و عوارض کلیه خدمات شهری را چندبرابر کرده تا با درآمدی «سالم» و استاندارد به سامان بلندمدت شهر فکر کند و سراغ امور زیربنایی رود.

اما وضعیت شهرداران فعلی و اسلاف آنها که منتخب شورایی هستند که تنها چندماه بعد برای بقا باید چشم به رای شهروندان داشته باشند، کاملاً قابل درک است. عقلی‌ترین رفتار برای آنها هدایت نکردن نیروها و منابع در مسیر منافع بلندمدت است.

کافی است شرایط امروز شهردار قالیباف ـ یا هر کسی که به جای او انتخاب می‌شد ـ را در نظر بگیرید! یک مشاور خیرخواه باید در فرصت ۳۰۰ روزه باقی مانده تا انتخابات شوراها او را به سمت گیری‌های دیربازده و اساسی راهنمایی کند یا سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدتی که رای‌دهندگان در همین مجال طعم آن را بچشند؟ واضح است که با بضاعت کنونی انسانی و اقتصادی کشور مراجعه ادواری به آرای مردم برای انتخاب مدیران شهر و بستگی مستقیم و بلاواسطه موقعیت شغلی آنان با رای طبقات مختلف مردم، رویکرد مدیریت شهری را به سوی درآمد سریع یعنی فروش تراکم و مسکونی‌سازی فضاهای سبز شهری (که نتیجه آنی آن اکثریت رای‌دهندگان یعنی طبقات فرودست را آزرده نمی‌کند) و هزینه‌های رای‌آور همچون میوه‌فروشی، توزیع غذا، وام ازدواج و پخش روغن و برنج بین هیات سوق خواهد داد.

خلاصه مقاله

۱- تعجیل در فروش زمین و آسمان و شهر و مزرعه از مواهب تشکیل یکی از مردمی‌ترین نهادهای حاکمیتی است.

۲- شوراهای شهرهای بزرگ با هدف کسب رضایت‌مندی عمومی در کوتاه‌مدت، به جای بلوکه کردن منابع در اجرای پروژه‌های اساسی آسان‌ترین روش‌های کسب درآمد و سریع‌ترین مسیرهای هزینه را مدنظر قرار می‌دهند.

۳- کارشناسان معاونت اطلاعات اقتصادی وزارت اطلاعات در نمایشگاه دستاوردهای این معاونت که دو سال پیش در معرض بازدید مسئولین و روزنامه‌نگاران قرار گرفت، به صراحت یکی از عوامل اصلی تخریب اراضی جنگلی و زراعی شمال کشور را «شوراها» دانسته بودند.

■ مردم‌انگیزی

در ساختار حقوقی توزیع قدرت ایران مجلس شورا در نقش مجلس عوام و شورای نگهبان، خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام در جایگاه سنا یا شورای نخبگان قرار می‌گیرند. واضح است که وقتی دوسوم کرسی‌های پارلمان در اختیار نمایندگانی از حوزه‌های انتخابیه «تک‌نماینده‌ای» یعنی با جمعیتی کمتر از یکصدهزار نفر است، اکثریت پارلمان متناسب سلیقه و ذائقه مردم این مناطق شکل خواهد گرفت. بنابراین کیفیت مجلس قطع نظر از اینکه اکثریت چپ (اصلاح طلب) یا راست (اصولگرا) باشد همواره از میانگین بدنه کارشناسی و نخبگان اداری دولت در رده پائین‌تری قرار می‌گیرد. «عمق» کار قانون‌گذاری در مجلس ششم و دوره هفتم یکی است و اظهارنظرها در یک «سطح» است. همیشه طرح‌های هزینه‌ای عمران روستایی با بیشترین اقبال نمایندگان روبه‌رو می‌شوند و همواره جناح اکثریت به اقلیت نخبه و اکثریت بدنه تقسیم می‌شوند. صورت‌بندی‌ای که وجهی از آن در موسم بودجه ۸۵ بین دانشگاهیان کمیسیون تلفیق و اکثریت نمایندگان شهرهای کوچک مشاهده شد. این ساختکار در شوراها شکل بسیار حادتری به خود می‌گیرد. در شوراها حوزه‌های انتخابیه کوچک‌تر و تعداد منتخبین بیشترند. موضوعات نه منطقه‌ای که محلی است و طبعاً افراد نامدار محله و میدان و گذر وضعیت بهتری از اعضای هیات‌علمی دانشگاه، روشنفکران و مدیران در تصریح مسائل خرد مبتلابه اهالی دارند.

پس گفتارهای مردم‌انگیز (پوپولیستی) که در هر مراجعه به آرای عمومی پیشدستی دارند، در این عرصه هم نقشی مضاعف ایفا خواهند کرد. کوچک بودن حوزه عملکرد و کثرت اعضای شورا باعث می‌شود هر عضو یا هر لیست انتخاباتی به شکل بلاواسطه و یک به یک وامدار گروه و خاندانی شود. وامی که بازپرداخت آن تا پایان دوره عضویت در شورا هم پایان نخواهد گرفت. این «جاپا» و زمینه خانوادگی و قومی رای، بعد از استقرار نه تنها در انتصاب نیروهای شهرداری که در گزینش پیمانکاران و اولویت‌بندی طرح‌ها در نواحی مختلف منطقه هم بروز می‌یابد.

مقایسه این وضع با انتصاب یک متخصص غیربومی به عنوان شهردار از تهران یا مرکز استان بی‌شک «رای‌گیری» را در برابر «کارایی» قرار خواهد داد. منصوبین مرکز گرچه ممکن است از محلی‌ها نسبت به مسائل شهری ناآشناتر باشند اما موظفند در چارچوب اسلوبی ملی ضمن صیانت از منابع طبیعی روند شهرسازی را با حداقل استاندارد پیش برند. آنها بدهکار متنفذین و چهره‌های مشهور محلات نبوده و ناچار نیستند برای بقا به عام و خاص منطقه امتیاز دهند و منابع بلندمدت شهر را فدای رای و رضایت آنان کنند. چه، باغ‌ها و مزارع گیلان و مازندران و تهران در زمان مدیریت مدیران انتصابی بیشتر و بهتر صیانت می‌شد تا هنگام سپردن شهرها به نمایندگان مستقیم مردم. به رغم حضور چندین برابر نیروهای قضایی و امنیتی و قرار گرفتن پروژه زمین‌خواری در نوار شمالی کشور در کانون توجه مبارزه با مفاسد اقتصادی اقدام شوراها به اعطای مجوز تغییر کاربری و صدور جواز ساخت برای جذب سهل و سریع پول بیشتر در خزانه شهرداری و حصول رضایت این نسل از مالکان و اهالی (که اعضای محترم شورا منتخب آنان هستند) روزبه‌روز شتاب می‌گیرند.

کارشناسان معاونت اطلاعات اقتصادی وزارت اطلاعات در نمایشگاه دستاوردهای این معاونت که دو سال پیش در معرض بازدید مسئولین و روزنامه‌نگاران قرار گرفت، به صراحت یکی از عوامل اصلی تخریب اراضی جنگلی و زراعی شمال کشور را «شوراها» دانسته بودند. وجود شوراها به فرصت مساعد لابی و چانه‌زنی برای زمین‌خواران بدل شده است. دولت با سپردن اختیار به شوراها به اهالی این خطه بی‌نظیر کشور اجازه داد تا در مورد مسکونی یا زراعی بودن و سرسبزی یا سیمانی بودن زمین‌های مرغوب‌ترین نقاط طبیعی ایران تصمیم گیرند. طبیعتاً منافع این نسل بومیان در کاستن سریع‌تر از ثروت‌های ملی استان و افزودن بر ثروت خود است. در غیاب هرگونه سیاست ملی و بلندمدت شالیزارها و باغات به شهرک تبدیل شد و سرمایه‌های ملی که پاسداری از آن اصل شرح وظایف دولت است به باد می‌رود.

مشابه این رویداد در مورد تهران هم قابل توضیح است. خطای فروش تراکم یا شهرفروشی (به تعبیر شهردار اسبق تهران) برای تامین منابع مالی لازم جهت اداره شهر شاید گزاره‌ای باشد بدیهی و قابل اثبات بر هر نوآموزی که با مبانی استدلال عقلی آشنایی دارد. همه می‌دانند که نباید زمین و آسمان شهر را فروخت و با پول آن زباله جابه‌جا کرد و چمن کنار بزرگراه را آب داد. واضح است که درآمد حاصل از این زیان برگشت‌ناپذیر باید در حوزه‌های زیربنایی هزینه شده و صرف تملک زمین برای توسعه فضای سبز شهری و عبور آزادراه و امثالهم شود.

هزینه‌های جاری شهر هم باید از محل پرداخت‌های جاری و «همواره» ساکنان شهر مهیا شود. حتماً بهای ارائه خدمات شهری، فروش شهر و مابه‌ازای پاکسازی معابر فروختن تراکم نیست. پس اصل هزینه‌های شهرداری که وکیل مردم برای اداره فضاهای مشاع شهروندان است باید توسط خود آنها پرداخت شود. همان‌طور که مالک یک فضای خصوصی به اعضای خانواده خود اجازه تخریب و فروش آن فضا برای تامین هزینه‌های روزمره را نمی‌دهد در شهر هم شهرداری نباید عامل فروش شهر برای جور کردن حقوق رفتگران و آسفالت خیابان‌ها باشد. هزینه اداره شهر باید به مثابه شارژ ماهیانه یک مجتمع آپارتمانی میلیونی علی‌الدوام توسط ساکنان پرداخت شود: عوارض طریق صحیح دخل شهرداری است که همچون مالیات در ایران اندک و در حاشیه است. امروز عوارض سالیانه یک آپارتمان ۲۰۰ میلیون تومانی در شمال تهران که ۳۶۵ بار در سال از امکان انتقال زباله و هر لحظه و ساعت از خدمات پاکسازی معابر، فضای سبز شهری و... استفاده می‌کند تنها ۳۵ هزار تومان در سال است! و عمده درآمد شهرداری هنوز از محل فروش تراکم تامین می‌شود.

فهم اشکال این روند پیچیده نیست و شهرداران تهران از کرباسچی تا قالیباف بر آن اشراف داشته‌اند. اما چهار شهردار تهران در ۷ سال گذشته آسمان شهر را فروختند چون به پول آن برای اداره شهر و کسب رضایت مردم نیاز داشتند. جالب آنکه این فروش با احاله اداره شهر به شورای منتخب مردم «زیادتر» و «ارزان‌تر» صورت گرفت.

کرباسچی آغاز کرد، الویری رکورددار فروش تراکم شد و احمدی‌نژاد و قالیباف بیش و کم آن را ادامه دادند. تنها حسن ملک‌مدنی بود که از روز نخست گفت با شهرفروشی نمی‌شود تهران را اداره کرد. این را گفت و از ابتدای سال ۸۱ به آن عمل کرد و تاوانش را با برکناری داد. شهردار اسبق اصفهان درد شهر «داری» را از روز اول می‌دانست و برخلاف دیگران با جمع‌بندی وارد میدان شد. اصرار او برای نفروختن تراکم مازاد به درگیری‌اش با نیروهای مسلح انجامید و چهره عوامفریب اقلیت شورای اول که تنها در سیمای ظاهری با پوپولیست‌های جدید تمایز داشت را آشکار کرد.

■ کارنامه دموکراسی

به هر رو سهم اصلی عدم تناسب فضای سبز و معابر شهری با ساختمان‌های اداری و مسکونی و فقدان هارمونی در سطح و ارتفاع تهران دستاورد مدیریت ۷ساله نمایندگان مردم در شهر است. آنان هم مانند شوراهای شهرهای کوچک و بخش‌ها بیشترین هزینه را از شهر می‌کنند تا بیشترین امتیاز را به رای‌دهندگان دهند. بی‌اعتنا به دیروز و فردای پایتخت از انتخابات تا انتخابات به فکر انتخابات بعدی شهری بدریخت‌تر و بی‌قواره‌تر می‌سازند. تجربه دو دوره شوراها در ایران دلیل روشنی بر نارسایی و آثار مخرب تاکید مدام بر دموکراسی به معنی مراجعه مکرر و مستقیم به آرای مردم در همه امور ملی و منطقه‌ای است. به ویژه پیش از قوام یافتن حاکمیت قانون، نهادهای ناظم و حل منازعه کارا و مقتدر، بخش خصوصی بزرگ و مستقل و سطح قابل قبولی از آموزش. دموکراسی بر هر دردی دوا نیست.

خبرها

عزم جدی دستگاه قضایی برای حمایت از بخش خصوصی

ایسنا: رئیس قوه قضائیه با تاکید بر اعتماد به بخش خصوصی در عین حال از فعالان این بخش خواست تا در رفع موانع خصوصی‌سازی اقتصاد ایران به دولت کمک کنند. آیت‌الله هاشمی شاهرودی در جمع فعالان اقتصادی خراسان در اتاق بازرگانی و صنایع و معادن استان اظهار داشت: در برنامه چشم‌انداز بیست ساله کشور و یا برنامه‌های توسعه پنج ساله و در قوانین مختلف بر خصوصی‌سازی تاکید شده است، اما عوامل متعددی باعث شده حرکت توسعه اقتصادی کشور کند شود. وی امتناع بدنه اجرایی دولت، نبود نهادهای عملیاتی، نظارتی و هدایتی و نبود اعتماد به بخش خصوصی را از جمله این موانع برشمرد و گفت: این در حالی است که رونق اقتصادی توام با توزیع عادلانه، مورد تایید همه بخش‌های نظام، حکومت و مردم است. هاشمی شاهرودی ادامه داد: رشد اقتصادی توام با توزیع عادلانه به معنای این است که توسعه اقتصاد کشور نباید به گونه‌ای باشد که رونق و سرمایه را در دست عده محدودی نگه دارد و اکثریت جامعه دچار فقر و تنگدستی شوند. وی این امر را مورد تاکید مقام معظم رهبری و رئیس جمهور خواند و گفت: از لحاظ علم اقتصاد نیز توزیع ناعادلانه ثروت باعث رکود بازار و همچنین ایجاد ناامنی می‌شود پس این امر مورد تایید بخش خصوصی نیز هست. رئیس دستگاه قضایی کشور با اشاره به وجود هدف مشترک بین همه اقشار و نهادهای جامعه از بخش خصوصی خواست برای توسعه اقتصادی توام با عدالت با دولت همدلی داشته باشد. وی با اشاره به سخنان رئیس جمهور مبنی بر ضرورت سرمایه گذاری در کشور افزود: دکتر احمدی‌نژاد بارها در جلسات سران سه قوه بر حمایت از بخش خصوصی تاکید کرده و در این راستا الگوی ایجاد بنگاه‌های سرمایه گذاری کوچک و حمایت از آنها را مطرح کرده‌اند، هم‌چنین پیشنهاد داده‌اند تسهیلات بانکی و امکانات کشور طوری تقسیم شود که محرومیت‌ها رفع شود و قشرهای کم درآمد جامعه نیز بتوانند به عرصه تولید و سرمایه گذاری وارد شوند. رئیس قوه قضائیه این دیدگاه را علمی و ارزشی خواند و گفت: برای نیل به این هدف علاوه بر ایجاد قانون و تخصیص اعتبار به کارهایی نیاز است تا عوامل کندکننده سرعت برطرف شود. وی حمایت سیستم قضایی را یکی از این اقدامات برشمرد و گفت: امروز مدیران قضایی حمایت از توسعه اقتصادی کشور را از وظایف اصلی خود می‌دانند. هاشمی شاهرودی از عزم جدی دستگاه قضایی برای حمایت و پشتیبانی از بخش خصوصی خبر داد و گفت: آنها که شائبه تخلفات بخش خصوصی را دارند بدانند بیشترین مفاسد و سوءاستفاده‌ها در بخش دولتی است و باید به بخش خصوصی اعتماد کرد. رئیس قوه قضائیه تلاش و همدلی بخش خصو